

بنیان پدیدهای چندوجهی

نگاهی به قامت سینما در سرزمین رنگها



هومن ظریف

هنری‌اش دچار انفعال یا برعکس سرشار از احساسات مبتنی بر خیال نخواهد شد؟ شاید ساخت فیلمی با درون‌مایه‌ای تلخ که تار و پود آن دردنامه‌ای را به‌عنوان فیلم‌نامه بروز بدهد، از جهتی آن را اثری فاخر و هنری بنمایاند، ولی لبنان امروز به واقعیت نیاز دارد. این نیاز فطری است که باعث شده است تا سینمای لبنان، دوربین خود را بر پروژه‌های نه‌چندان سنگین زوم کند و کارنامه فیلم‌های کوتاه و مستند آن پررنگ‌تر و البته براساس چنین شرایطی یکی از جشنواره‌های معتبر فیلم‌های مستند، در بیروت جا خوش کرده است. جشنواره‌ای که پذیرای فیلم‌های مستند کشورهای مدیترانه است و حتی از سرزمین غصب‌شده فلسطین نیز فیلمی در آن جا به نمایش در می‌آید. درست است که مردم لبنان به‌خاطر شرایط نامتعادل و امنیت روانی و معیشتی در شرایط ویژه‌ای قرار دارند و شاید صحیح باشد که این مردم را مظلوم بخوانیم، ولی سینما که به‌عنوان یک هنر جلوای انسانی دارد، هم در این کشور مظلوم شده است. ظلم مضاعفی که بر سینمای لبنان روا داشته شده ناشی از بمباران فیلم‌های خارجی، به‌خصوص تولیدات خوش آب و رنگ هالیوودی است که سال‌ها سینمای این کشور را مورد آماج حملات خود قرار داده است.

وقتی علی‌ظاهر، مدیر انجمن هنرمندان لبنان می‌گوید: «متأسفانه زیاد نمی‌شود درباره سینمای لبنان حرف زد و لبنان همیشه از لحاظ سیاسی و اقتصادی متزلزل بوده است»، باید پذیرفت که این سختی در بیان جریان سینمای لبنان برای سینمادوستان خارج از جغرافیای لبنان بسی سخت‌تر خواهد بود. پیش‌تر فیلم‌های تولیدشده در لبنان، با تلاش‌های شخصی فیلم‌سازان در خارج از کشور ساخته شده است. شاید ذکر این نکته تلخ باشد، ولی در چنین موقعیتی آیا می‌توان انتظار داشت هنرمندان فیلم‌ساز یک کشور بتوانند در بیان احساس و آلام خود نزدیک به واقعیت باشند؟ چگونه می‌توان پذیرفت که هنرمندی لبنانی در بین آسمان‌خراش‌های شهرهای آمریکایی یا محل‌های بی‌سروصدا و رماتیک پاریس، توانایی انعکاس احساسات درونی دیگران را داشته باشد؟ اصولاً آیا هنرمند وظیفه دارد احساسات خود را بیان کند یا آینه‌رؤیاها و ایده‌های دیگران باشد؟ به نظر می‌آید که سعی یک فیلم‌ساز، به‌عنوان یک هنرمند، باید بر این باشد که پژواک وقایع بیرون و اندیشه‌های درون خود را در زبان هنری‌اش متجلی کند. اما در زمانی که جغرافیای خیال و زندگی یک هنرمند، هر قدر که توانا باشد، در دور از وطن او متصور شود، آیا گویش

در زمانی که جغرافیای خیال و زندگی یک هنرمند، هر قدر که توانا باشد، در دور از وطن او متصور شود، آیا گویش هنری اش دچار انفعال یا برعکس سرشار از احساسات مبتنی بر خیال نخواهد شد؟

اثرات این جنگ نابرابر فرهنگی آن چنان است که به قول مدیر انجمن «مؤسسه الجمعیه اللبنانیه الفنون» حتی بازار ساخت فیلم‌های کوتاه هم در این کشور کساد است و برخلاف کشورهای اروپایی که از این فیلم‌ها خیلی پشتیبانی می‌کنند، فیلم کوتاه هم در غربت است. معمولاً جوانان و دانشجویمان هنر که می‌خواهند وارد این عرصه بشوند، از طرف دانشگاه حمایت نمی‌شوند و بیش‌تر به سمت تلویزیون‌های ماهواره‌ای که در لبنان آزاد است می‌روند. هر چند در جنگ نابرابر حزب‌الله لبنان با رژیم اشغال‌گر قدس، این ارتش مجهز، با وجود همه امکانات فکری و مادی در برابر مقاومت، توانسته است محلی برای اظهار وجود پیدا کند، اما انفعال هنرمندان و خستگی‌شان از نداشتن فرصت عرضه آثاری هر چند کوتاه، باعث بروز اثرات روانی و سرخوردگی نسل پویا و ذهن خلاق هنرمندان لبنانی خواهد شد.

در این میان صاحب سینما خواندن لبنان، به معنای قائل بودن جریانی مستمر در صنعت فیلم‌سازی، اگر چه یک دید سطحی‌نگرانه است، اما ساده‌انگارانه‌ترین دید، به یک چشم نگریستن سینمای فلسطین و لبنان^۱ است. و البته از همه تلخ‌تر نگاه برخی از مسؤولان فرهنگی دلسوز ایران است که بدون مطالعات دقیق و عمیق، حتی تا آن جا پیش رفته‌اند که معرفی سینمای کوتاه لبنان و افغانستان^۲ را در یک زمان و یک محفل قرار داده‌اند! مؤلفه قابل تأمل و سهل و ممتنع فرهنگ جامعه لبنانی، اگر چه موضوع متنوع و منطقی برای سناریست‌های غرب و شرق و البته هنرمندان بومی آن جاست، اما چنین جامعه پیچیده‌ای فقط در یک فضای ایده‌آل و آرمانی، توانایی ارائه جریان دائمی و سیال هنر، به‌ویژه سینما، را خواهد داشت.

گراف خواهد بود اگر سخنی درباره فرهنگ و هنر این کشور گفته شود، ولی جغرافیا و جمعیت آن در تیررس نگاه نقادانه قرار نگیرد.

لبنان^۳ گرچه کشوری است کوچک و کوهستانی اما همسایگی با کشورهای سوریه، فلسطین اشغالی، جزیره قبرس و مرز وسیع آبی به‌خاطر مجاورت با دریای مدیترانه، از این کشور طیف رنگارنگ جامعه‌شناختی‌ای ساخته است.^۴ البته این تنوع برون‌مرزی اگر چه در درون کشور تأثیرات زیادی دارد اما خود کشور از درون نیز تنوع شگفت‌آوری از نظر مردم‌شناسی دارد. مردم لبنان از گروه‌های نژادی و قومی گوناگونی تشکیل شده‌اند که بخش اعظم آن عرب و سپس آسوری و ارمنی، کرد و یهودی هستند.

از سوی دیگر اگر چه زبان رسمی لبنان عربی است، اما هر یک از اقلیت‌های نژادی به زبان خویش سخن می‌گویند. زبان فرانسه نیز کاربرد دارد و نباید تصور شود که شیوع این زبان وابسته به سن است و در بین جوانان جایی ندارد.^۵ زبان عربی در این کشور لهجه‌ای^۶ دارد که تلفظ کلمات این زبان با دیگر شاخه‌های زبان عربی تفاوتی آشکار و ملموس دارد.

با وجود این طیف‌های رنگین زبان، قوم و آیین، نقش مهم و البته مخاطره‌آمیز صنعت سینما برای اکران داخلی، بسیار مشهود است. یک هنرمند لبنانی باید چه زبان و بیانی را انتخاب کند تا بتواند با هم‌وطن خویش ارتباط برقرار کند؟ قبول کنید که اگر شرایط لبنان حتی از لحاظ آرمانی بدون درگیری‌های فرامرزی و داخلی بود باز هم انتخاب زاویه دید محترم و وطن‌شمول و درواقع انتخاب یک نگاه ملی بسیار سخت می‌بود.

جدای از این همه تفاسیر، سینمای لبنان در عرصه فیلم بلند تجاری هم محکوم به رئالیسم است. کافی است داستانی نخ‌نما از یک رابطه عاشقانه را در این بازار چندفرهنگی رها کنید، اگر فقط همت کنید و لوکیشن‌ها را در لبنان مستقر سازید، یکی از بهترین

فیلم‌های سینمایی را در کارنامه خود لحاظ خواهید کرد. شاید به همین دلیل است که همان قلیل فیلم‌هایی که از سینمای لبنان سراغ داریم، در کشورهای دیگری که شباهت جغرافیایی و آب و هوایی به آن جا دارند ساخته می‌شود. نکته حائز اهمیت که در این بین وجود دارد، روابط پویای انجمن^۷ سینمای جوانان ایران با شبکه المنار است که باعث می‌شود در این بازی بُرد-بُرد فرهنگی، علاوه بر حمایت معنوی فیلم‌سازان ایرانی، رویکرد مشفقانه و مشوقانه برای فیلم‌سازان لبنانی باشد.

از سوی دیگر رابطه فرهنگی و هم‌دلی مسؤولان ایران و لبنان باعث رخ‌دادهای دل‌گرم‌کننده دیگری شده است که در نگاهی آماری و سطحی، بار احساسی قضیه بیش‌تر است تا ژرف‌نگری. تعمیق روابط فرهنگ‌ها با توجه به چندوجهی بودن قامت فرهنگی هر دو کشور، بسیار الزامی است.

ساخت فیلم‌سینمایی «یک خواب و صد بیداری»^۸ که می‌خواهد جنگ ۳۳ روزه را از نگاه یک کودک به تصویر بکشد با حضور جمعی از بزرگان سینمای ایران به بهانه دومین جشنواره سینمایی ایران^۹ در لبنان، یا ساخت فیلم بن‌بست^{۱۱} که با نقش آفرینی بازیگران لبنانی و انتخاب لوکیشن‌ها در آن کشور آغاز شده است، همگی قابل قدر دانسته و تأمل است، اما برنامه‌های مدون و ژرف‌نگر می‌تواند در این شرایط نابه‌سامان، هم به کشور لبنان ژانری درخور عرضه کند و هم از سوی دیگر رونقی به سینمای ایران ببخشد.

نگاه خواننده عزیز را به این نکته معطوف می‌دارم که در سریال موفق «مدار صفر درجه» که بینندگان آن جهانی بودند و جالب این‌جاست که یهودیان سرزمین اشغالی هم را درنوردیده است، کاراکتری وجود داشت که بازیگر آن هنرمندی لبنانی^{۱۲} بود. کوفت‌فکری است اگر کسی این رویکرد صدرصد فرهنگی و باطراوات را زیر سؤال ببرد.

جالب‌تر این‌که بازیگران لبنانی، بنا بر غریزه فطری خود اگر چه در سینمای داخلی فرصتی برای عرض اندام نمی‌بینند یا کم‌تر می‌بینند، در فیلم‌های خارجی و اروپایی، بهترین نقش آفرینی‌ها را به معرض نمایش گذاشته‌اند.^{۱۳} اما نکته‌ای که باید در امر سرمایه‌گذاری در راستای تقویت این تبادلات دوسویه سینمایی لحاظ شود، در نوع عرضه فیلم‌های سینمایی ایرانی در سینماهای لبنانی و شبکه المنار لبنان است.

سینمای ایران همان‌گونه که در بین صاحب‌نظران دنیا دارای شأن و منزلتی مشخص است، به همان لحاظ از نظر فعالان سینمای لبنان نیز دارای جایگاهی درخور توجه است.^{۱۴}

اگر چه از لحاظ درخور توجه بودن سینمای ایران در جهان، حتی دیمتری خضر، مستندساز لبنانی،^{۱۵} هم هشدار می‌دهد: «آفتی که امروزه سینمای ایران را تهدید می‌کند، کوشش برای جلب اعتماد ناقدان هنری غرب است، حال آن‌که شایسته است هم‌چنان با الهام از جامعه تکثرگرای خود، دغدغه‌ها، دشواری‌ها، پیشینه‌ها و پشتوانه‌های فکری ایران و ایرانیان را به‌تصویر کشند، اما فیلم‌های سینمایی ایرانی‌ای که در تیررس نگاه سینمادوستان لبنانی است باید به‌گونه‌ای جذاب‌تر و حرفه‌ای‌تر ارائه شود، به این معنا که همان‌گونه که سریال مریم مقدس با برگردان عربی در لبنان به نمایش درآمد، باید فیلم‌های منتخب ایرانی برای شرکت در جشنواره فیلم‌های ایرانی در بیروت، نه با زیرنویس بلکه با فصیح‌ترین لهجه عربی دوبله شود. امری که تا پیش‌چند درخشان هنر دوبله ایران آن را به یادگار دارد و بهره‌گیری از معدود گنجینه‌های هنر دوبله برای نیل به جریانی اثرگذار در راستای دوبلاژ فیلم‌های ایرانی به عربی، کمک شایانی در بارور کردن این صنعت در ایران و قدرت نفوذ آن در لبنان، به‌عنوان دریچه سینمای عرب‌زبان، خواهد بود.^{۱۶}

به‌رحال شاید در معارضا با تبلیغات شدید و واژگون‌نمایی

امریالیسم خبری، ساخت فیلم‌های مستند فرصتی بسیار گران قدر باشد که هست، اما قدرت نفوذ فیلم‌های سینمایی و سریال‌های قدرت‌مند از نظر درون‌مایه و خط داستانی، تاکنون نشان داده است که حرف نخست در این زمینه را دقت و حمیت می‌زند نه رقت قلب و هیاهو.

چهارم فیلم مستندی که یک افسر اسرائیلی در جریان خدمت نظامی خود در جنگ ۳۳ روزه در تابستان ۲۰۰۶ در لبنان گرفته است،^{۱۷} خیلی کوبنده‌تر از تولیدات دیگر کشورهای جهان باشد. اساساً وجدان بشری، متعلق به فطرت پاک انسان است و این زلال خداداد هرگز بنابر نژاد، مسلک و قومیت، آلوده نمی‌شود و بنا بر همین چشم بصیر و حق‌نگر است که باید سینماگران لبنانی همه چیز جامعه خود را به‌صورتی شفاف،^{۱۸} به نقد بکشند که می‌بینید ناخودآگاه در این شرایط پرتلاطم، ذائقه و ذهن انسان، رئال را بیش‌تر می‌پسندد تا خیال، اما پیوندهای ناآشکار و معنوی انسان‌ها، خواه ناخواه، با فیلم‌های داستانی و سینمایی بیش‌تر است تا مستند. ■

پاورقی‌ها:

۱- علی ظاهر، اهل لبنان است و فارغ‌التحصیل رشته علوم انسانی. ظاهر پس از فارغ‌التحصیلی، در چندین دوره آموزشی در زمینه رسانه‌ها که توسط گروه TEEM برگزار شد شرکت کرد. او سهام‌دار گروه رسانه‌ای لبنان و عضو هیأت‌مدیره این گروه است و در طی ۳ سال تا مرحله مدیریت برنامه‌ریزی شبکه تلویزیونی المنار پیش رفت. ظاهر ۶ سال در سمت مدیرعامل این شبکه فعالیت کرد. او در جشنواره‌های بین‌المللی فیلم و محصولات تلویزیونی و سمینارهای رسانه‌ای بسیاری شرکت کرده است و اخیراً مدیریت انجمن هنرمندان لبنان را برعهده دارد.

۲- سینمای فلسطین از سال ۱۹۶۵ میلادی به‌وجود آمد که بیش‌تر به ساخت آثار کوتاه و مستند مشغول بوده است و با تشکیل انجمن فیلم فلسطین در سال ۱۹۷۲ تا حدی در این سینما نسبت به ساخت آثار بلند داستانی دغدغه بیش‌تری به‌وجود آمده است. این روزها، با ساخت فیلم‌هایی از قبیل دخالت الهی، سلیمان، و اینک بهشت و هانی ابواسد، این سینما ابعاد جهانی‌تری به خود گرفته است. اما سینمای لبنان از سال ۱۹۳۰ یعنی ۳۵ سال پیش‌تر از فلسطین به فهرست کشورهای تولیدکننده فیلم راه پیدا کرده است. اگرچه رویکرد آغازین سینمای لبنان با فلسطین مشابه است، اما از بین معروف‌ترین آثار این کشور که مضمون اشغال‌گری را دربردارد می‌توان به فیلم‌های «غرب بیروت» اثر زیاد دوعیدی و «شباح بیروت» اثر غسان صلح اشاره کرد.

۳- در نخستین روز از بیست‌وپنجمین جشنواره فیلم کوتاه تهران، نشست معرفی سینمای کوتاه لبنان و افغانستان برگزار شد. منبع، پایگاه خبری فیلم کوتاه

۴- واژه لبنان از واژه سامی «لبن» که اشاره به قله‌های سفید کوهستان‌های لبنان دارد گرفته شده است.

۵- سرزمین لبنان آب و هوایی مدیترانه‌ای دارد، هوای سواحل در زمستان‌ها سرد و بارانی و در تابستان‌ها گرم و شرجی است. در نواحی بلندتر به‌ویژه کوهستان‌ها، زمستان‌ها با بارش برف همراه است و نمای هوا به زیر صفر می‌رسد و بخش‌های دیگر این کشور، تابستان‌های گرم و خشک دارد.

۶- از بین هنرمندان تئاتری‌ای که در سال ۱۳۸۶ برای جشنواره مقاومت محمداالوره - شهید فلسطینی - به ایران آمده بودند، دو جوان کاملاً مسلط به زبان فرانسه بودند.

۷- لهجه لبنانی از شاخه عربی شامی است. این زبان، در کاربرد و تلفظ کلمات با دیگر شاخه‌های زبان عربی تفاوت دارد، اما به عربی سوریه، فلسطینی و مصری نزدیک است. در تلفظ واج، «ج»، «ز» خوانده می‌شود. به جای «ق»، حرف «ع» و به جای «ث»، «ت» تلفظ می‌شود. برای مثال کلمه تکثیر، «تکتیر»، خوانده می‌شود و قلب، «علب» و جدید، «زیدید»، ادا می‌شوند.

۸- اولین نشست رسمی اعضای اتحادیه کشورهای مسلمان از ۲۹ مرداد تا ۳ شهریور ۱۳۸۶ در تهران برگزار شد. در این نشست نیاز سینمای جهان اسلام با

حضور نماینده کشور لبنان در بین ۱۷ نماینده کشورهای عضو رسمی اتحادیه کشورهای مسلمان، مطرح شد.

۹- فیلم سینمایی یک خواب و صد بیداری در زمان جنگ ۳۳ روزه لبنان کلید خورد و تا ۲۰ روز بعد از جنگ ادامه داشت. سیدحامد حسینی کارگردان و تهیه‌کننده این فیلم است.

۱۰- عزت‌الله انتظامی و رسول صدراعظمی برای شرکت در دومین جشنواره سینمایی ایران در لبنان و نمایش فیلم شب از ۳۰ آبان تا ۵ آذر ۱۳۸۷ به بیروت رفتند.

۱۱- نخستین فیلم سینمایی مرتضی آتش زمزم با موضوع انرژی هسته‌ای که برای حضور در جشنواره فیلم فجر ۱۳۸۷ آماده می‌شود. بازیگران این فیلم که در لبنان فیلم‌برداری شده است، از میان هنرپیشگان لبنانی انتخاب شده‌اند. مجدی مضموشی، نعمی بدوی، کارتیا کعدی، بولین حداد، سمیر ابوسعید، غصیف شیا، نعم ابوشدید، تینا جروس، ولاد جیور، علی منیمونی، فواد حسن، مارون شرفان، رانیا سلوان، نشت بدومیت، حسین احمد، دریا ترحینی و سلما علی‌ساحلی از بازیگران این فیلم هستند.

۱۲- بی‌برداغی، بازیگر لبنانی نقش «بازیرس فتاحی» در سریال مدار صفر درجه. ۱۳- دارین حسسه، بازیگر لبنانی که قرار است از او فیلمی ایرانی به نام کتاب قانون را شاهد باشیم. (وی) تاکنون در یازده فیلم اروپایی بازی کرده است.

۱۴- دیمتری خضر مستندساز لبنانی، سینماگران ایرانی را خالق مکتب جدیدی در عرصه هنر هفتم عنوان کرده است.

۱۵- دیمتری خضر، زاده سال ۱۹۱۷ و دارای مدرک کارشناسی در رشته سینما از دانشگاه لبنان است. خضر چند مجموعه مستند، از جمله فیلمی درباره مسیحیان ایران و کودکان لبنان و پیامدهای اجتماعی جنگ داخلی، تولید کرده است. او مسوول یک انجمن مستقل فرهنگی در بیروت است که در زمینه حمایت از سینماگران جوان لبنانی فعالیت دارد.

۱۶- عبدالله قصیر، مدیرکل شبکه المنار، در دیداری با رایزن فرهنگی ایران می‌گوید: «برای بهره‌گیری از فیلم‌ها و تولیدات سینمایی ارزنده ایران در این شبکه یک مرکز حرفه‌ای دوبلاژ فارسی به عربی راه‌اندازی شده است.»

۱۷- روزنامه واشنگتن پست به نقل از خبرنگار خود از تل‌آویو می‌نویسد: «یاریف موزر، یک افسر ذخیره ارتش اسرائیل پس از فراخوانده شدن برای شرکت در جنگ تابستان ۲۰۰۶، دوربین و سلاح با خود برده و تصاویری از شرایط موجود ثبت کرده است. در میان تصاویری که وی گرفته، برخی صحنه‌ها روایت‌گر ترس سربازان ارتش اسرائیل از موشک‌های حزب‌الله است که در حال فرار هستند. در یکی از تصاویر، سربازی اسرائیلی مشاهده می‌شود که رو به دوربین می‌گوید: احساس می‌کنم کسی ما را فریب داده است. براساس سیاست فرماندهی ارتش اسرائیل، دستگاه اطلاعات ارتش، این فیلم را توقیف کرده است و قبل از نمایش آن را مورد بازبینی دقیق قرار می‌دهد. با این حال سخن‌گوی ارتش اسرائیل، در برابر این رسوایی، گفته است که دستگاه نظامی هنوز هیچ نظری در مورد این فیلم ندارد.»

۱۸- گروهی از مهم‌ترین سینماگران و مستندسازان یهودی در پیامی به جشنواره فیلم عرب در پاریس، حملات رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان را محکوم و با سینماگران و مردم لبنان و فلسطین اظهار هم‌دردی کردند. پای این نامه، امضای ۴۰ فعال سینما دیده می‌شود.

۱۹- فیلم کم‌دی دراماتیک «کارامل» ساخته نادین لیکي، کارگردان زن لبنانی، است. داستان فیلم درباره پنج زن بیروتنی است که با وجود اختلاف سن با یکدیگر دوست می‌شوند. داستان زنانه این فیلم متفاوت سینمای لبنان، در یک آرایشگاه در بیروت پیش می‌رود و مشکلات آن‌ها به تصویر در می‌آید. این فیلم در بخش غیر رقابتی ششمین دوره جشنواره کن حضور داشت. کارامل در جشنواره تورنتو به نمایش در آمد و از طرف کشور لبنان برای اسکار بهترین فیلم خارجی به آکادمی اسکار معرفی شد. این فیلم اگرچه مضمونی رئال دارد، اما متأسفانه رویکرد تجاری کارگردان آن که پیش از این ویدئو کلیپ می‌ساخت، جنبه‌های واقعی فیلم را به قیمت فروش هر چه بیش‌تر، کم‌رنگ کرده است.

بازیگران لبنانی، بنا بر غریزه فطری خود اگرچه در سینمای داخلی فرصتی برای عرض اندام نمی‌بینند یا کم‌تر می‌بینند، در فیلم‌های خارجی و اروپایی، بهترین نقش‌آفرینی‌ها را به معرض نمایش گذاشته‌اند